

درآمدی بر

کوبین و فرینک طالقان

دکتر کامران فلاحتی

فریبرز ضاوقیان

سرشناسه:	فلاحی، کامران، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور:	درآمدی بر گویش و فرهنگ طالقان / کامران فلاحی، همکار فریبرز صادقیان.
مشخصات نشر:	تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۷۴۴ ص.
شابک:	۵۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
موضوع:	طالقانی
موضوع:	فرهنگ عامه - ایران - طالقان
شناسه افزوده:	صادقیان، فریبرز
رده‌بندی کنگره:	PIR ۳۲۷۶/ط۲۳ف۸ ۱۳۸۹
رده‌بندی دیویی:	مر ۴۹۹
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۲۱۶۰۹۳۸

درآمدی بر
گویش و فرهنگ طالقان
تألیف: دکتر کامران فلاحی، فریبرز صادقیان
ناشر: شرکت سهامی انتشار
چاپ اول: ۱۳۹۰
چاپخانه حیدری: ۱۱۰۰ نسخه
حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است
تومان ۵۵۰۰۰



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲
کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸
Email: info@entesharco.com WWW.ENTESHARCO.COM
فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴
فروشگاه شماره ۱: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

کلیه حق تالیف به مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد طالقان اهدا می گردد.

اطلاعاتی در مورد این مجتمع در زیر منعکس می گردد:

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

مجتمع رعد تهران در سال ۱۳۶۳ احداث و تحت شماره ۲۸۱۱ به ثبت رسید؛ برای آموزش و ارتقاء مهارت‌های افرادی که محدودیت جسمی و حرکتی دارند. مجتمع رعد در مساحتی بالغ بر ۴۰۰۰ متر مربع گنجایش ۲۰۰ کارآموز در ۲۵ رشته آموزشی، علمی، فنی و هنری را دارد. ارائه خدمات مجتمع رعد بدون در نظر گرفتن تبعیض نژادی، سیاسی، عقیدتی، فرقه ای و جنسی می باشد؛ در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۵ به عنوان یک سازمان مردم نهاد غیر سیاسی به عضویت دفتر اطلاع رسانی سازمان ملل متحد در آمد.

تخمین زده می شود ۱۰ درصد جمعیت جهان به نوعی کم توانی را تجربه می کنند. براساس آمار بهزیستی ایران ۲ درصد کل جمعیت روستایی دارای معلولیت چشمگیر هستند. ۸۰ درصد معلولین از طبقات محروم جامعه است.

نیکی نیازی فطری و نیکوکاری پاسخ به نیاز درونی انسان است. همیاری محبت آمیز پرمردگان را شاداب، ناتوانان را توانا و ناامیدان را امیدوار می سازد.

تا کنون تعداد ۱۴ مجتمع آموزشی نیکوکاری مشابه در ایران تأسیس شده است؛ یکی از آن ها رعد طالقان در سال ۱۳۸۵ ابتدا به عنوان شعبه رعد تهران و سپس به طور مستقل با شماره ثبت ۱۱ در راستای اهداف مجتمع نیکوکاری رعد مشغول فعالیت است. این مجتمع غیر دولتی و مردم نهاد است؛ تنها با کمک مداوم نیکوکاران به توان یابان جسمی حرکتی، ذهنی، کهنسالان نیازمند و آسیب دیدگان اجتماعی در حد توان خدمات رسانی می کند.

اهداف رعد طالقان

۱. برگزاری دوره های فنی و حرفه ای جهت ارتقاء سطح علمی و عملی معلولین، جانبازان، ایتام و خانواده های نیازمند.
۲. حمایت مادی و معنوی از خانواده های نیازمند، زنان سرپرست خانوار، کودکان بی سرپرست، معلولین و جانبازان در قالب پرداخت کمک هزینه های تحصیلی، مسکن، جهیزیه، ازدواج و درمان
۳. جلب و جذب مشارکتهای مردمی
۴. ارائه خدمات مشاوره و توانبخشی سرپایی به کودکان معلول ساکن با هدف پیشگیری از بیماریها و عدم گسترش معلولیت در منطقه طالقان
۵. کوشش در جهت کاریابی و اشتغال زایی کارآموختگان و ایجاد کارگاه های تولیدی - حمایتی برای اقشار کم در آمد و آسیب پذیر

۶. تلاش در جهت گسترش مراکز آموزش عالی، دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی به منظور ایجاد شهر دانشگاهی

۷. تلاش در جهت حفظ محیط زیست انسانی و طبیعی طالقان

۸. همکاری با بهزیستی شهرستان ساوجبلاغ و سایر مسئولان جهت اجرای طرح CBR در بخش طالقان برای شناسایی و ارائه خدمات به معلولین و اقشار نیازمند

آدرس و شماره حساب:

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد طالقان

طالقان - شهرک - شهرک سازی - خیابان درویش خان

تلفن : ۰۲۶۲۴۷۲۵۶۶۶ و ۰۲۶۲۴۷۲۵۶۶۷

نمابر : ۰۲۶۲۴۷۲۵۱۱۱

پشت الکترونیکی : info@nikookari.org

وب سایت : www.nikookari.org

شماره حساب : ۰۱۰۳۸۲۱۱۳۸۰۰۳

سیبا بانک ملی ایران به نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد طالقان

RAAD CHARITABLE
REHABILITATION
CENTER

www.bmi.ir

سیاسگزارم از:

همسرم گیزلا فلاحی که با وجود آشنایی کم با طالقان، همواره مشوق من در تدوین این فرهنگنامه بود؛ در تنظیم و بررسی مداوم برنامه رایانه ای، باعث تسهیل کار من گردید و از بسیاری برنامه های مسافرت جهانی که برای ایام بازنشستگی در نظر داشتیم صرف نظر نمود، تا وقت کافی برای تکمیل این مجموعه داشته باشم.

آقای فریبرز صادقیان که از بدو برنامه ریزی این فرهنگنامه - جمع آوری بسیاری از واژه ها، اصطلاحات و تدوین بخش های آثار تاریخی و اوضاع جغرافیائی، همچنین تحقیق در باره روستاهای طالقان - همکاری بی دریغ نموده و برایم مرکز ارتباط با ایران بود.

آقای دکتر اسماعیل رنجبران (بیژن باران) برای بازخوانی این فرهنگنامه، نوشتن خلاصه، پیش گفتار و همچنین اشارات بسیار مفید در تکمیل این مجموعه به همراه ساعتهای بیشمار مکالمه تلفنی، ارتباط پست عادی و برقی.

استاد غلامحسین امیرخانی که با خط زیبایی خود زینت بخش متن جلد این کتاب گشتند.

آقای محمد کاظم رضائی برای راهنمایی و مهیا نمودن امور مربوط به نشر این کتاب.

آقای سید عباس میرحسینی برای مشاورت در مورد واژه ها و همکاری در پیش نویسی مراسم نامزدی و سوگاری.

آقای استاد حسن پورزاهد که با اشعار زیبای گویش طالقانی " دیوان نیلوفر مرداب"، درمن تشدید انگیزه برای نوشتن این فرهنگنامه نمود

آقای پرفسور اسماعیل فلاحی که با کسب اجازه، اشعار زیبایش با واژه های گویش طالقانی را بارها به عنوان مدرکی از لطافت این گویش یاد آور گردیده ام.

آقای سید خسرو خاتمی که برخی از واژه ها و اصطلاحات بالا طالقان را ارائه داشتند.

آقای منصور صادقیان برای مشاورت و آشنایی بیشتر در مورد دامپزشکی در طالقان.

آقای ذکرا الله صادقیان (عمو نجمان) برای مشاورت در مورد دامداری سنتی در طالقان.

آقای رحمت الله زر عکائی برای مشاورت در مورد کشاورزی سنتی در طالقان و شعر زیبای " پیر مرد عصا بدست " به گویش طالقانی.

آقای صابر صادقیان برای جدیت و پیگیری در امر فراهم نمودن عکس های مندرج در این فرهنگنامه و تبادلات پست برقی.

آقایان محمد علی عسگری، سهراب خلیلی، حاج یونسعلی عباسی، حاج عزیز عباسی، سید مجید صادقیان مطهر و کربلایی عباس بزجی (رفیعی) که به ترتیب نام ها، اطلاعاتی در مورد آهنگری، تعزیه خوانی، بقالی، قصابی، مکتب داری و نمد مالی در اختیار قرار داده اند. آقای حاج محمد حسین میر ابوالقاسمی به خاطر اطلاعات در باره گلیرد.

آقایان مهندس محمود فلاحی، دکتر سهراب فلاحی، رئوف رنجبران، رضا پورزاهد، فریبرز فلاحی که یاد آوری های مفید و نظرات سازنده ای ارائه داشته اند، و همه کسانی که طی پنج سال گذشته مشوقم در انجام این کار بوده اند.

سوای نامبردگان بالا، از کلیه افراد اهل قلم که در طی قرون گذشته پایگذار سواد آموزی همگانی در طالقان بودند سپاسگزارم؛ به نمایندگی آنان از نام دومعلم شریف که حق استادی به گردنم دارند یاد آور می گردم:

مرحوم میرزا یوسف فلاحی و حاج لطفعلی عمویی که از دهه ۱۳۲۰ تا ایام بازنشستگی برای دهها صد دانش آموز این منطقه معلمی نمونه بودند و آموزش نوجوانان را پیشه خود می دانستند.

فهرست

صفحه	عنوان
الف - ب	چکیده
پ - د	پیشگفتار
ذ - ر	ضرورت بازخوانی فرهنگ و هویت
ز	مرز همگویی
	مقدمه ۱ - ۲

بخش اول:

- آوانگاری در گویش طالقانی ۳ - ۴
- جدول نشانه‌ی آوا ۵ - ۷
- تلفظ در گویش طالقانی ۸ - ۱۵
- علامت‌های اختصاری ۱۶

بخش دوم:

- نکات دستوری - مقایسه زبان فارسی با گویش طالقانی ۱۷
- ✓ جمله، ساختار جمله ۱۷ - ۱۹
- ✓ مصدر، صفت، قید ۲۰ - ۲۱
- ✓ حروف: اضافه، ربط، نشانه‌ها ۲۲ - ۲۴
- ✓ ضمایر: شخصی، ملکی، اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم ۲۵ - ۳۰
- ✓ جمع اسم ۳۱ - ۳۲
- ✓ افعال در گویش طالقانی، ساختمان فعل ۳۳
- ✓ نفی فعل، فعل امری ۳۴ - ۳۵
- ✓ بررسی فعل در گویش طالقانی ۳۵ - ۳۶
- ✓ مصدر فعل در گویش طالقانی ۳۶
- ✓ تجزیه صرف فعل در گویش طالقانی ۳۷ - ۳۸
- ✓ افعال با قاعده و بی قاعده ۳۹ - ۴۰
- صرف فعل در زمان؛ نمونه‌های:
- حال استمراری، ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی
- استمراری، ماضی نقلی و ماضی التزامی ۴۱ - ۴۹
- افعال گویش طالقانی و مترادف آن در زبان فارسی ۵۰ - ۶۱

فهرست

بخش سوم:

- واژه نامه - به ترتیب الفبا؛ از الف تا ی ۴۲۸ - ۶۲
- اشعار گویش طالقانی ۴۲۹ - ۴۳۶

بخش چهارم:

- گزینه گویی ها:
 - ✓ اصطلاحات، زیانزدها، ضرب المثل ها، باورها،
 - سرزنش ها، دعا ها ۴۳۷ - ۵۴۸
 - اصطلاحات هواشناسی ۵۴۹ - ۵۵۱

بخش پنجم:

- مشاغل - حرفه های اهالی طالقان در گذشته؛ به ترتیب الفبا ۵۵۲ - ۵۵۳
 - ✓ آبدنگ وانی، آسیووانی، آلوگری،
 - آهنگری و نعلبندی ۵۵۴ - ۵۶۱
 - ✓ بقالی (عطاری / دوکانداری)
 - بنائی، بندزنی، بيطاری: دامپزشکی ۵۶۱ - ۵۶۶
 - ✓ پالاندوزی، پرده داری / شمایل خوانی ۵۶۶ - ۵۶۷
 - ✓ تعزیه خوانی ۵۶۸ - ۵۶۹
 - ✓ جوزجیرکئی / جوزکوتانی ۵۷۰
 - ✓ چارواداری، چک بندی، چوبداری، چیت زنی ۵۷۰ - ۵۷۷
 - ✓ حمامی ۵۷۷ - ۵۸۰
 - ✓ خرازی، خطاطی: قرآن نویسی: استنساخ، خیاطی ۵۸۱ - ۵۸۳
 - ✓ دواتگری، دُعانیویسی ۵۸۳ - ۵۸۴
 - ✓ رنگرزی، سبّذبافی، سلمانی / حلاقی ۵۸۴ - ۵۸۷
 - ✓ قالیبافی، قصّابی ۵۸۷ - ۵۹۰
 - ✓ طبابت ۵۹۰ - ۵۹۱
 - ✓ کتیرازن، کوگووان، گل یگیتن، گوگل وان،
 - ذه مال وان، گیوه کشی / گیواکشی ۵۹۱ - ۵۹۴
 - ✓ مارگیری، مُسگری ۵۹۴ - ۵۹۵
 - ✓ مکتب داری ۵۹۵ - ۵۹۸

فهرست

- ✓ نانوایی، نجاری، نقالی / داستانسرایی،
نمد و کلاه مالی ۵۹۹ - ۶۰۳
- نمونه‌ی از اسناد ۶۰۴

بخش ششم:

۶۰۵ کشاورزی

- ✓ کشت و برداشت ۶۰۵ - ۶۰۷
- ✓ آماده کردن زمین برای کشت ۶۰۷ - ۶۰۸
- ✓ کشت غلات ۶۰۸
- ✓ آفات غلات ۶۰۸ - ۶۰۹
- ✓ درو ۶۰۹ - ۶۱۰
- ✓ خرمن ۶۱۰ - ۶۱۵

دامداری:

- ✓ تک دامداری ۶۱۶ - ۶۱۷
- ✓ گوسفند داری و گله داری ۶۱۸
- ✓ نامگذاری گوسفند ۶۱۸ - ۶۲۰
- ✓ واژه های متداول در دامداری ۶۲۱ - ۶۲۴
- ✓ دنبه و شکل های مختلف آن ۶۲۴
- ✓ پشم ۶۲۴ - ۶۲۵
- ✓ شیر، فرآوردهای لبنی ۶۲۵ - ۶۲۸
- ✓ گوشت ۶۲۸ - ۶۲۹
- ✓ پوست و دیگر فرآوردهای دامی ۶۲۹

بخش هفتم:

مراسم سور:

- ✓ انتخاب همسر، تو خوران، خواستگاری، شیرینی خوران ۶۳۰ - ۶۳۳
- ✓ جهاز عروس، عیدی بران ۶۳۳
- ✓ تعیین مهریه، پیش بینی مراسم عروسی، خورده بار ۶۳۴
- ✓ خیاط سَری، نان پختن برای عروسی ۶۳۵
- ✓ جهیز کشان ۶۳۵
- ✓ عروسی، نارزنی ۶۳۶ - ۶۳۹
- ✓ نمونه مدارک ثبت جهیزیه و عقدنامه ۶۴۰ - ۶۴۱

فهرست

. مراسم دیگر تشکیل خانواده:

- ✓ بارداری، زایمان، اُسم دُنان : نامگذاری، نمونه ورقه هویت ۶۴۲ - ۶۴۴
- ✓ دَهه بَندان، گَهواره، چَلَه بُری، دُندان کُشان ۶۴۵ - ۶۴۷
- ✓ خَدَنه کُنان: خَتَنه سوران، جشن نذر اجابت فرزند ۶۴۷ - ۶۴۸

. مراسم تجدید سال:

- ✓ کُل چارشنَبه، عروس بابو، نوروزی سُلطان ۶۴۸ - ۶۵۰
- ✓ خیاط سَری، سبزی دُنان، خانه تُکانی / گردگیری ۶۵۰ - ۶۵۱
- ✓ عید و عید دیدنی ۶۵۱ - ۶۵۲

. مراسم سوگ:

- ✓ وفات و تدفین، شام غریبان، ختم ۶۵۳ - ۶۵۵
- ✓ مراسم عزاداری مذهبی ۶۵۵ - ۶۵۶

. ورزش ها بومی و تفریحات ۶۵۷ - ۶۵۸

بخش هشتم:

- . معماری در طالقان، خانه سازی و شکل یابی محلات در روستا ۶۵۹ - ۶۶۲
- . انتظام ده، تعیین کدخدا و پاکار ۶۶۳ - ۶۶۴
- . مالیات و جمع آوری آن ۶۶۴ - ۶۶۵
- . کارگر، دستمزدها ۶۶۵ - ۶۶۶
- . مهاجرت فصلی، راه مالرو، راه های ارتباطی، راه بانی ۶۶۷ - ۶۷۱
- . نقشه راهها ۶۷۲ - ۶۷۴

بخش نهم:

. جاینامه :

- ✓ روستا ها: نام روستا به ترتیب الفبا، طول، عرض جغرافیایی و ارتفاع، تبار، محله ها، مزارع آبی و دیمی، مراتع، رودخانه ها، چشمه ها، آبشارها، دره ها، غارها، اسکول، قلل و کوه ها ۶۷۵ - ۷۵۳
- ✓ ابصار، آرتون، آردکان، آرموت و تکیه آرموت، اسفاران، آسکان، امیرنان، آنگه، آوانک، اوچان، آورازان، اوارک ۶۷۵ - ۶۸۳

فهرست

- ✓ باریکان، بُزَه / بُزَج، پَراچان، پُردِسَر، پَرگَه ۶۸۳ - ۶۸۶
- ✓ تکیه ناوه، جوسْتان و تکیه جوسْتان، حسنجون و سید آباد، حصیران ۶۸۶ - ۶۹۰
- ✓ خُجیرَه، خُسبان، خو کوُند / خودکاوند، خُوران، خُورائک، خیکتان ۶۹۰ - ۶۹۵
- ✓ نَراپی، نُنبلید، دَهنَر، دیزان ۶۹۵ - ۶۹۷
- ✓ رُشنا بَر، زیدشت، سفِچخانی، سگران، سگرانچال، سینگین، سوهان ۶۹۸ - ۷۰۲
- ✓ شریف کلایه / شریف کولای، شهراسر، شهرک ۷۰۲ - ۷۰۵
- ✓ عالی سر، فشنُک، کَش، کَشروُد، کَرکیوُد، کَجیران، کَرود، کُلائک،
- کُلاهروُد، کُماکان، کوُله / کوُتج، کویین علیا ۷۰۶ - ۷۱۳
- ✓ گَته دَه، گَراب، گَزَن، گَزینان، گَلیرد، گِلنک / گَلینک، گوران ۷۱۴ - ۷۱۹
- ✓ لُهران، مَرچان، مَنگلان، مهران، میراش، مینوُند / میناوند، موچان ۷۱۹ - ۸۲۵
- ✓ ناریان، نَسا سَقلی، نَسا عَلیا، نویز، نویزک، وُشَتَه، وَرگَش، هَشان، هَرَنج ۷۲۵ - ۷۳۱
- ✓ تفکیک دهات بخش طالقان ۷۳۲ - ۷۳۳

• بناها تاریخی و محوطه های فرهنگی ۷۳۴ - ۷۴۰

• وجه تسمیه روستا های طالقان ۷۴۱ - ۷۴۵

• جاذبه های طالقان:

✓ سد مخزنی، چشمه های دایمی و فصلی، آبشارها ۷۴۶ - ۷۴۷

✓ غارها و دست کن ها، گلگشت ها ۷۴۷ - ۷۴۸

✓ کوهها، قله ها، راه های صعود به قله ها ۷۴۹ - ۷۵۲

✓ جدول اسامی قلات معروف طالقان ۷۵۳ - ۷۵۴

بخش دهم:

• موقعیت جغرافیایی طالقان ۷۵۵ - ۷۵۶

• وجه تسمیه طالقان ۷۵۷ - ۷۵۹

• تاریخچه طالقان ۷۶۰ - ۷۸۹

• پیوست ها:

✓ کتابشناسی:

✓ فهرست کتاب ها و پایان نامه های تحصیلی درباره طالقان ۷۹۰ - ۷۹۷

✓ کتابنامه ۷۹۸ - ۷۹۹

www.ketab.ir

الف چکیده

کتاب "در آمدی بر گویش و فرهنگ طالقان" جنگ کامل در ۱۰ فصل حاوی فرس و دستور زبان، اصطلاحات، روستاها، مراسم، حرفه ها، کشاورزی و دامداری، مهاجرت، ساختمان، جاینامه و تاریخ می باشد. کتاب ارزنده فرهنگ طالقان حاصل نیم قرن فرهنگ آموزی، تخصص و تدریس علمی، پژوهشهای شبانه روزی قاموس و فرس السنه فارسی و غربی، کتابت فرهنگ طالقانی، انتشار آن در کتاب و سپس در شبکه جهانی اینترنت برای دسترسی طالبان فرهنگ در سراسر گیتی می باشد. کتاب فرهنگ طالقان گنجینه سرشاری از زبان، رسوم، جراف، طایفه ها، بناهای مسکونی و تاریخی، راهها و ارتباطات بومیان با مناطق کناره دریای خزر و کرانه های کویر مرکزی فلات ایران می باشد. با گردآوری داده های زبانی این منطقه، نشر آنها بصورت کاغذی در کتاب و نرم در اینترنت، راه برای بررسیهای علمی آنها باز می شود.

کتاب فرهنگ طالقان گام سترگ نخستین در راه ضبط یک فرهنگ کهن و زیبای در حال زوال و درک آن بوسیله امروزیان کنجکاو به گذشته می باشد. کتاب فرهنگ طالقان با ۱۰ فصل خود جنبه های عمده فرهنگی را بیان کرده؛ از روی این فصول میتوان پی برد که ساکنان این منطقه زیبای کوهستانی چه کسانی بوده اند، کی و از کجا آمده اند، چگونه زندگی کرده اند، تجربه شان برای انسان امروزی چیست؟ کتاب فرهنگ طالقان با تأکید میان طالقان از دکتر کامران فلاحی را میتوان در کنار آثار مهم دیگر در باره طالقان مذاقه کرد.

پردازشگران این داده ها در علوم زبانشناسی، جامعه شناسی، فرهنگ شناسی، روان شناسی، انسان شناسی، باستان شناسی، تاریخ، اقتصاد می توانند با بررسی تطبیقی با دیگر فرهنگها و ریشه شناسی قهقهه رایی بصوب نیافر فرهنگ گذشته، بسیاری از ابهامات در مورد تمدنهای بدون خط نویسی مانند مادها، لولوبیها، کاشیها، مانانیهها، یا حتی پارتها و هخامنشیان را رازگشایی کنند. زیرا زبان بر عکس کتیبه فاتحان به توده های مردم تعلق دارد؛ در زبان مردم، پژوهشگر به باورها، نحوه زندگی، آرزوهای انسانها پی می برد.

طالقان ماهی بزرگی، بمساحت ۱۳۲۵ کیلومتر مربع بین تنکابن، ساوجبلاغ و کوهپایه قزوین، در دره های رشته کوه البرز آرامیده است. سر آن با ۲۳ ده پایین طالقان، شکم آن با ۲۷ ده میان طالقان، دم آن با ۲۷ ده بالا طالقان نام دارند. آبادیهای آن مانند استخوانهای دنده های سینه از ستون فقرات در ۲ سوی شمال و جنوب شاهرود قرار دارند. راه تاریخی آن از جنوب، آبیگ و هشتگرد به گردنه طالقان و راه شمالی آن به تنکابن است. این راههای مالرو در نیمه سده ۲۰ میلادی تعریض و آسفالت شده؛ با یک شبکه از جاده ها تمام ۷۷ پارچه آبادی بهم مرتبط شده اند. پرسشهایی مانند وجه تسمیه طالقان و نامهای ۷۷ آبادی آن چه هستند کمک به درک این فرهنگ می کند.

فرهنگ به معنای رفتار مدنی تابع زمان در یک جامعه می باشد که خود از چرخه حیات زایش، اوج، میرش می گذرد. فرهنگ تمامیت تجارب آموخته، انباشته، انتقال پذیر انسانها در یک منطقه مسکونی است. اگر زیربنای جامعه اقتصاد باشد؛ روینای آن فرهنگ است. فرهنگ دربرگیرنده زبان، رسوم، فنون، حرف، باورها، ادوات تولیدی، سفرها، معماری، طوایف، تفریحات، هنر، ورزش، نظام، قانون می باشد. فرهنگ خود را در بسیاری اقسام مدنی ضبط می کند که برای اخلاف گنجینه ای از تجارب انسانهای پیشین است. در تاریخ ۵ هزار ساله بشر، هزاران فرهنگ در جهان پدید آمده؛ در بازه زمانی مشخص فعال بوده؛ سپس بنا به عوامل درونی یا بیرونی مضمحل شده اند. پس نیاز تاریخ دسترسی به مناطق دور در زمان و مکان برای فرهیختگان کنجکاو پراکنده در جهان می باشد. چگونه می توان فرهنگ منطقه ای در انزوا را تبیین و بررسی کرد؟ این مشکل را گردآورنده گان، پژوهشگران، متخصصان علوم طبیعی و انسانی امکان پذیر می کنند. امکانات برای حل مشکل فراوانند.

یکی از این امکانات روشنفکران بومی اند که یک پا در گذشته فرهنگی منطقه داشته؛ پای دیگر در امروز علوم مدرن دارند. آنها به جمع آوری داده های فرهنگی بومی برای پردازشهای قیاسی در جهان فردا می پردازند. سفر به این مناطق دور افتاده می تواند تاریخی یا جغرافیایی باشد. در سفر تاریخی از روی اقلام عتیق به رمزگشایی محتوای فرهنگی آنها پرداخته می شود. برای نمونه: هنری راولینسون در سفر ۱۸۳۵ میلادی به ایران کتیبه های میخی را با تطابق متن واحد پارسی باستان، بابلی، ایلامی رمزگشایی کرد. در سفر جغرافیایی سیاح به مناطق دور رفته؛ مشاهدات خود را نوشته؛ بعد در موطنش آنها را چاپ می کند. برای نمونه: سفر مارکوپولوی بازرگان در جاده ابریشم به ایران و شرق در سده ۱۳ میلادی است. پس زبانشناسی و باستانشناسی کمک می کنند که از روی نامها و ابینه تاریخی به درک بخشی از فرهنگ نایل آمد.

پس از سفر به دهات سرسبز طالقان پرسشهایی پیش می آیند. این انسانهای صبور و کاری از کجا آمده اند؟ زبان و فرهنگ آنها از کجا آمده؟ چه باعث شده که نیای آنان از نواحی پرجمعیت به این سرزمین سبز و سالم روی آورد؟ بخاطر نداشتن خط، تاریخ آنها کتابت نشده؛ پیرانشان هم از دنیا رفته اند. پس چگونه می توان به تاریخ و فرهنگ ساکنان این دره های سبز پی برد؟ پاره ای سیاحان قرون پیشامدرن و مستشرقین غربی با شکیبایی عمری را در خواندن متون عتیق گذاشتند. آنها با تطابق این متنها، مطالعه اشیای موزه ها، کاربرد شیوه های علمی، حفاریهای محوطه های تاریخی، ضبط زبان و نامهای قراء، کم کم نقشه تکوین تمدن را در تمام جهان با جزییات پدید آوردند.

دکتر اسماعیل رنجبران (بیژن باران)

پیشگفتار

بخش مهمی از فرهنگ یک قوم زبان است که دربرگیرنده ۳ عامل زمان، مکان و مردم می شود. بنابراین زبان مجرد نبوده؛ در رابطه با یک قوم ساکن در منطقه ای معین در عصری مشخص است. نیز زبان مانند موجود زنده از چرخه حیات زایش، اوج، میرش می گذرد. لذا در اینجا وقتی از زبانی سخن می بینیم؛ منظور این زبان در ۳ عامل زمان، مکان، مردم و در چرخه حیاتش می باشد؛ تا بتوان بطور مشخص در باره آن صحبت کرد.

زبان مجموعه قراردادی کلمات و نظام کاربردشان در میان یک قوم نزدیک بهم، یک جامعه در گستره جغرافیایی، یا ملتی با سنت مشترک فرهنگی است. زبان در جامعه برای ترابری اندیشه در بین اعضای آنست. کارکردهای زبان تمام چرخه حیات فرهنگی را دربرمی گیرند: یادگیری آن در خانواده، پرورش فرهنگی کودک، آموزش در نهادهای تحصیلی؛ آرایه اندیشه ها در رسانه ها، تعامل سیاسی، تجاری، تخصصی؛ داد و ستد اطلاعات؛ آفرینش ادبیات در اشکال متنی، سمعی، بصری؛ انبار آثار و اندیشیدن زبانی؛ برنامه ریزی برای آینده؛ ضبط تاریخ و فرهنگ برای انتقال به نسلهای آینده می باشد.

زبان برای ارتباط صوتی بین اعضای قوم یا ملت است. زبان دربرگیرنده طیف شامل نشانه های نمادین، صدایی، حرکت سر و دست برای آرایه فکر، عاطفه، محرکه، احساس، حس افراد می باشد. زبان مربوط به عضله در دهان با اعضای قفایی مانند ششها، حنجره، تارهای صوتی، فکها؛ اعضای بیرونی مانند لبها، دندان، سر، دست، چشم، تن می باشد. غالباً مراکز تولید و درک زبانی در غشاء بیرونی نیمکره مغز چپ اند.

تعاریف زبان مجموعه ی قراردادی لغات، قواعد کاربردشان، سبک ارتباطی در متکلمان آن است. در اوضاع کنونی، زبان وسیله ارتباطی رسمی برای حاکمیت یک منطقه فراگیر تعریف شده. گویش dialect نتیجه تکاملی یک زبان در محیطهای گوناگون است. لذا از یک نیازبان، زبان مشترک متقدم، در طول تاریخ گویشهای گوناگون در نوحی دیگر، غیر از منطقه اولیه نیازبان، پدید می آیند.

لهجه تفاوتهای تاریخی، محلی، قشری، حرفه ای، سنتی در کاربرد لغات، دستور و تلفظ در یک زبان معیار در جامعه است. لهجه تلفظ غیرمعیار یک زبان بوسیله متکلمان غیربومی هم تعریف شده. به غربی accent یا ته لهجه با تاکیدهای هجایی نامانوس می باشد. برای نمونه: ته لهجه روسها، آلمانیها، فرانسویها در تلفظ جملات انگلیسی از هم متمایزند. نمونه دیگر ته لهجه عجمها در تلفظ زبان عربی رایج در مدینه قرون اولیه تهاجم آنها به فلات ایران است.

گویش در فارسی زبان اقلیتهای زبانی تعریف شده که با زبان رسمی دارای یک نیازبان در گذشته های هزاره ای اند؛ ولی از حمایت نهادهای دولت مرکزی برخوردار نبوده اند. لحن نحوه بیان اندیشه به زبان با عواطف، محرکات، غرایز و احساسهاست. کاربرد زبان فردی یا در موقعیت مشخص اجتماعی idiolect اصطلاحی- یا تکیه کلامی در لغات، دستور، تلفظ - نامیده می شود. شاید بتوان این واژه را به محرمیت واژه در سوژه جمله کاربرده شده و محرمیت جمله با محیط عینی ابژه تعبیر کرد. یکی از نتایج این گونه سخنوری "به دل نشستن" حرف می باشد. از این دید واژه در یک بافتار زنده اجتماعی ارایه می شود؛ نه در بافتار جدول کلمات متقاطع بی حس.

یکی از موتورهای تغییر زبان همین فردیت زبان بوسیله فرد با استعداد و محبوب می باشد. نمونه های تاریخی در سطح ملی فردوسی، سعدی، حافظ، باباطاهر در ادبیات فارسی اند. از این دید، واژه در لغتنامه تنها معنی تصریحی دارد؛ در حالی که کاربرد واژه در یک زمان مکان مشخص - سایه روشنهای معنایی تلویحی هم دارد. در شعر مدرن فرخزاد، شاملو نمونه های عالی این ویژه گی زبانی در فارسی اند.

بررسی زبان علمی است که در عصر جدید با سوسور ۱۹۱۳ - ۱۸۵۷ در سوییس آغاز شد. در این علم ماهیت، ساختار، تفاوت های زبانی شامل صداشناسی برای تغییر تلفظ کلمات، صوتشناسی برای فرکانس حروف و هجاها، ساختارشناسی برای ظاهر بن کلمه در ترکیب باوندها و ضمائر، معناشناسی برای مفهوم تلویحی و تصریحی کلمات، ریشه شناسی برای یافتن منبع و اشتقاقهای کلمات، جامعه شناسی رفتار تکلم برای تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، قواعد صرف و نحو برای جمله و عبارت سازی، طرق نویشش برای تناظر صداهای زبانی با الفبای خطی، قاموس شناسی برای لغتنامه در رابطه با حرفه ها مذاقه می شوند.

در زبانشناسی جدید، نشانه شناسی semiotics برای بررسی زبان بکار میرود. از دید نشانه شناسی، زبان ۳ روند دارد: ۱. معنایی برای مناسبات نشانه ها و اشیاء مورد اشاره. ۲. ترکیبی برای مناسبات در بین نشانه ها در ساختارهای محاط بر آنها. ۳. عملکردی برای مناسبات نشانه ها و تأثیرشان بر مردمی که آنها را بکار می برند.

پس زبان نشانه های قراردادی حاوی پیام برای افراد یک جامعه است. نشانه های زبانی مناسبات یک دال یعنی شکل یک عبارت بیان شده با یک مدلول یعنی منظور ذهنی پشت بیان ظاهری می باشند. برای نمونه اینها چند نشانه زبانی اند: بوق اتوموبیل، چشمک زدن، دست دادن، علامت استعمال دخانیات ممنوع، گفتن آخ از درد کمر.

از دید زبانشناسی همه گویشها زبانند که دارای دستور ترکیب کلماتند. دستور زبان تجرید جملات در یک مجموعه کوچک واژه های انتزاعی است که برای آموزش زبان به بزرگسالان بسیار مفید است. زبان مجموعه محدود قراردادهای تلفظی، معنایی، دستوری

محاط بر یک مجموعه بزرگتر واژه هاست که می‌توان بی نهایت جمله آفرید. با این جمله‌ها فرد می‌تواند افکار، احساسها، خواسته‌های خود را با اعضای عضلانی ناطقه و ابزار دستی تولید کند. این بیانات واسطه‌ی ارتباطی در جامعه می‌باشند.

دستور زبان، تجرید اکثر جملات یک زبان است که با یک زبان جانشین با واژه‌های ویژه مجرد، ساختار جمله بندی تشریح می‌شود. پس بجای اسمهای خاص رستم، تهمینه، سهراب واژه عام فاعل بکار می‌رود. قواعد دستوری مربوط به بیان کنش و حالت زبان را از فردیت خارج کرده؛ کمک به فهم عمومی زبان می‌کند. با دستور است که می‌توان لغات جملات را فاعل، مفعول، فعل، ضمیر، قید، صفت، موصوف، مضاف، مضاف الیه، حرف‌های اضافه، ربط، اشاره، نامید.

در یک نظام حکومتی جدید زبان رسمی اهدافی دارد:

۱. وسیله ارتباطی حاکمیت و مردم برای آموزشهای دانشگاهی، قوانین داخلی، دفاع ملی، تماس بین المللی است. پس زبان بطور تلویحی در سیاست حکومت نقش دارد.
۲. این زبان رسمی بصورت استاندارد با خط و ابزار ضبط در محتوای متنی، سمعی، بصری در رسانه‌ها ترویج می‌شود. در هر کشوری ۱۰ ها و ۱۰۰ ها زبان و لهجه وجود دارند، مانند هند و چین؛ در برخی مانند کانادا، افغانستان، سوئیس ۲ یا ۳ زبان رسمی وجود دارند.

روشن است که زبانهای یک منطقه دارای تاریخ مشترک اند؛ اکثر آنها با هم منشاء مشترک دارند. در تاریخ هجوم اقوام همسایه یا در عصر مدرن ورود استعمار به یک منطقه یک فاکت است. گاهی این هجوم منجر به زدایش زبان رایج بومی و جانشینی زبان مهاجمان می‌شود. این را در مصر می‌توان دید که زبان باستانی آن با حمله اعراب متروک شد. یا با ورود استعمار انگلیس به قاره نو ۲۵۰۰ زبان بومیان از بین رفت؛ زبانهای انگلیسی اسپانیولی جایگزین آنها شدند.

البته هر زبان به مرور ایام، در نواحی مختلف یک منطقه، منجر به گویش‌های جدیدتر می‌شود. در شجره زبانشناسی، این گویشهای جدیدتر شاخه‌هایی از یک زبان واحد مشترک، یعنی نیاز زبان اند. معمولاً نیازبان متروک شده؛ گویشهای جدیدتر به تکامل خود ادامه می‌دهند. برای نمونه در زمان حال گویش‌های فارسی، تاتی، کردی، بلوچی، مازنی، گیلکی همه گویش‌های گوناگون نیازبان ایرانی میانه از قرن ششم در غرب زاگروس اند.

خود این نیازبان سلف تاریخی خود را در زبان ایرانی باستانی مادها در آنراییجان و پارسها در پاسارگاد دارد. در حالیکه از زبان مادها به جز چند اسم در تاریخ بجا نمانده. ولی از زبان پارسها در کتیبه‌ها و کتب تاریخی هرودوت و انجیل جملاتی چند بجا مانده. ولی در هر ۲ نیازبان مادی و هخامنشی و بعدها پارتی میتوان با صرف سالها پژوهش، ابزار سخت و نرم رایانه‌ای، شیوه‌های علمی قیاسی، قهقرایی، استنتاجی از گویشهای مانده در سده ۲۱م

در مناطق مجاور این حکومت‌های باستانی زبان رایج در پایتخت این حکومتها را بازسازی کرد. باید دقت کرد که نتیجه پژوهش را تعمیم نداده؛ نگفت که زبان کشور مادها، هخامنشیان، پارتها فلان زبان بود. زیرا عقل سلیم و مشاهدات میدانی فعلی ایران، هند، افغانستان آشکارا ۴۰ تیکه بودن زبان را در هر کشور نشان می‌دهد. زبان پایتخت زبان سیاسی در یک نقطه از منطقه وسیع با ملیتها و فرهنگهای بومی مختلف می‌باشد.

هرچه سواد گویشوران و تعاملشان با نواحی مجاور کمتر باشد؛ انزوای زبانی بیشتر خواهد بود. این انزوا با شرایط طبیعی مانند کوهسار، محاصره آبی، استتار جنگلی تشدید می‌شود. گویش یک ناحیه جدا افتاده در ابقای زبان گذشته خود می‌کوشد. این ثقل با کمی خلاقیت زبانی در تلفظ، لغات، مفاهیم جدید لهجه محلی کمی تغییر می‌کند. از دید تاثیر همسایگان بر زبان در یک بازه زمانی طولیل تحول را تسریع می‌کند.

پس از قرن‌ها از یک زبان مشترک لهجه‌های ناحیه‌ای شکل می‌گیرند. در فارسی لهجه‌های تهرانی، اصفهانی، شیرازی، خراسانی پیدا می‌شوند؛ در تهرانی زیر لهجه‌های شمرونی، چاله میدونی، حسن آبادی، شابدولعظیمی، کرجی شکل می‌گیرند. گیلکی به لهجه‌های رشتی، لاهیجانی، رودسری، آستانه‌ای منشعب می‌شود. کردی به لهجه‌های مهابادی، سنندجی، کرمانشاهی، ایلامی بخش می‌شود. باید توجه داشت که گویش تهرانی، گیلکی، کردی یک تجرید است؛ زیرا گویشوران آنها بطور مشخص یک زیر لهجه محلی بکار می‌برند. ولی در عصر جدید، زبان رسانه‌ای یک زبان تجریدی استاندارد است که بوسیله سخنگویان بکار می‌رود.

شاید گویش را نیز بتوان برابر idiolect بمعنی سخن یک فرد مشخص در یک دوره از حیاتش قرار داد. معنی ظریفتر این واژه این است: در شرایط ویژه فرد با اقتضای محیط، مخاطب، روحیات خود الگوی زبانی ویژه دارد. این در آموزش زبان بسیار مهم است. در کودکی یادگیری زبان در موقعیتهای ویژه اتفاق می‌افتد که حاوی عواطف نیز است. این یادگیری در موقعیتهای کاربردی در تجربه کودکی با کلاس آموزش بزرگسالان زبان که لغات تلفظ، ساختار/ ریخت، املاء، مورد دستوری دارند فرق می‌کند. این تفاوت بویژه در روایت، لحن، ظرایف زبانی خود را نشان می‌دهد.

تفاوت لهجه‌ها در تلفظ، گزینش کلمات، تاکید گذاری، لحن، جمله بندی نمایان می‌شود. فهم لهجه در مثلث ورنیکه نیمکره مغز چپ نیاز به آموزش ممتد دارد. بازگویی لهجه در مثلث بروکا در نیمکره چپ مغز نیاز به تمرین فراوان دارد. یادگیری زبان در کودکی با بزرگسالی در شبکه‌ها، مدارات، فعالیتهای مغز کاملاً تفاوت دارد. از اینرو آموزش زبان در بزرگسالی همراه با ته لهجه مانده از زبان مادری اول می‌باشد. در حالی که در کودکی این ته لهجه با حوصله اولیای کودک مدام و روزمره تصحیح می‌شود.

ح

معنی تلویحی لهجه دربرگیرنده ویژگیهای فرد متکلم در بیان زبانی می باشد. این ویژه گیها شامل مکث، تاکید، لحن، تلفظ مصوتها و صامتها، طول تلفظ هر هجا، شدت و تنظیم هوا در حنجره، فاصله سق، لب، زبان، دندان نسبت بهم، نیز حرکات سرو دست می باشند. گویش یک فرد با دیگری با اینکه تفاوت های آوایی و واژگانی دارد؛ ولی فهم آن تنها نیاز به توجه مخاطب دارد. تفاوت لهجه گاهی مضحک و گاهی سنوال انگیز است. یک تهرانی با یک کابلی یا تاجیک می تواند هم صحبت شود. ولی یک تهرانی با یک کرد، تبریزی، بلوچی باید با زبان میانجی فارسی مکالمه کند.

هر لهجه بنا به شغل، تحصیل، سن، اصلیت، جنس، حرفه، گویشورانش به زیرلهجه ها تقسیم می شود. برای نمونه: یک مرد اصفهانی تحصیل کرده با یک پبله ور بی سواد اصفهانی تفاوت زیرلهجه بیانی دارد. یک جوان دانشجوی شیرازی در برابر رئیس ایل مسن زیرلهجه بیان متفاوتی دارد. شغل و جنس هم در ایجاد زیرلهجه های بیانی تاثیر گذارند. برای نمونه: قصابها، لوطیها، لاتها، جاهلها، چاله میدانهای بازار سبز و ویشان، سوسولها، آخوندها، فرنگرفته ها بیان و رفتار ویژه قشر خود را دارند.

منبع: <http://aryaadib.blogfa.com/post-293.aspx>

در قرون وسطا زبان عمدتا به سنن ادبی گذشته خود پایبند بود. در سخن سرایی شفاهی و کتبی، شعر در نیمکره مغز راست فکرهای زبانی را تحت کنترل قرار می دهد. زنجیره کلامی را با شرایط محیط و مخاطب همساز می کند. در حالیکه در گویش، فرد با مراعات اصول دستوری متعارف در نیمکره چپ مغز فکر خود را بطور بداهه و طرفه العین به زبان ترابری می کند. در هر ۲ مورد، شعر به تنظیم بیان با مخاطب و محیط متکلم می پردازد تا بیان متناسب با محیط و انتظارات مخاطب باشد. در گویش، بیان به فکر فرد نزدیکتر است تا زبان که با میانجی گری سنن ادبی غیر مستقیم، بطور زیاد، غیر فردی می شود.

در عصر پیشامدرن تنظیم بیان به سنن را در ادبیات دیوانی، مذهبی، مالیاتی، تا حدودی هم شعری و نثری می توان دید. در مقایسه بین زبانها، گویشها و لهجه ها توجه باید کرد که زبان با زبان، گویش با گویش، لهجه با لهجه مقایسه شود؛ نه یک زبان با یک لهجه. در مقایسه بین دو گویش باید عنصر قیاسی همگن باشند. چون بین زبان فارسی مکتوب و گویش شفاهی مثلا در تهران هم اختلافات زیادی در تلفظ، گزینش کلمات، عبارت بندی وجود دارند.

در عصر مدرن زبان در ترابری روزمره رسانه های گروهی با زبانهای جهانی قرار دارد. در این عصر با پخش نوشتارها و گفتارهای ادبی، سیاسی، هنری، اجتماعی در رسانه های گروهی بسوی زبان استاندارد/ معیار می رود. اصولا یکی از بردارهای ادبیات پس از انقلاب مشروطه نزدیکی زبان فارسی کتبی سنتی به گویش عمدتا پایتختی/ تهرانی شفاهی رایج معاصر بود. کوشش دهخدا و شاملو هم در این راستا بود.

خ

قرض کلمات بین زبان ۱ مبداء و زبان ۲ مقصد ترابری لغات و مفاهیم اجتناب ناپذیر است. طبیعتاً قرض کلمه از زبان ۱ مبداء در زبان ۲ مقصد تابع قواعد زبان مبداء می باشد؛ نه پیرو زبان مقصد. گاهی فرهنگستان و برخی فرهیختگان زبانی با احساس ملیگرایسی و "درست" گویی این قاعده را برهم میزنند. برای نمونه: در فارسی علامت جمع عربی "ات" در کلمات و تالیفات حفظ می شود؛ نه علامت جمع فارسی "ها".

در انگلیسی هم بسیاری اسمهای مفرد لاتین قرضی تابع قاعده دستوری زبان مبداء اند. برای نمونه: جمع شعاع radius لاتینی تابع علامت جمع لاتینی radii است؛ نه علامت جمع انگلیسی radiuses. قرض گسترده زبان ۱ مبداء در زبان ۲ مقصد تابع پراش زبانی همجواری منطقه مسکونی گویشوران آنهاست؛ بقای خصایل تلفظی و دستوری زبان همسایه مبداء در زبان همجوار مقصد حفظ می شود.

روشن است که تنها لغات نیستند؛ بلکه اصطلاحات و نگینه گویها هم بین ۲ زبان ترابری می شوند. برای نمونه: "وصف العیش نصف العیش"، انشاء، فیما بین، "الموت فی انتظار" از زبان تازی در فارسی مصطلح اند. برای نمونه در انگلیسی اصطلاحات لاتینه، فرانسه، آلمانی بصورت اصل مبداء بکار می رود؛ عبارت فرانسوی *répondez s'il vous plaît* لطفا پاسخ دهید، اصطلاح آلمانی *Zeitgeist* روح زمانه، عبارت لاتین *quid pro quo* چیزی مقابل چیزی یا مقابله بمثل. بسیاری کلمات بومی و قرضی در طول قرون تلفظهای آغازین خود را از دست می دهند؛ تلفظهای مصوتها و صامتها بومی می شوند. برای نمونه: در زبان ایران باستان و حتی میانه مصوتهای مرکب *diphthong* مانند وا در خواهر، او در *gao* به یک مصوت تبدیل شده؛ تلفظ آنها در ایرانی جدید خاهر و گاو شده.

نیز در زبان ایرانی باستان و میانه آغاز و حرف دوم یا آخر و حرف مقابل آن می توانست ۲ صامت در کلمه باشند؛ مانند سپید *spid*، زنگ *zng* که در فارسی جدید سپید، زنگ تلفظ می شوند. از عربی هم نمونه ها بسیارند که تلفظ ایرانیزه شده با زبان مبداء توفیر دارد. برای نمونه: آخر در عربی و آخر در فارسی جدید. اصولاً حروف الفبای هر زبان تلفظهای خاص خود را دارند. برای همین در فارسی جدید س، ص، ث، همه یک تلفظ دارند. مثلاً حرف ر در فارسی به ارتعاش ر اسپانیایی نزدیکتر است تا به ر انگلیسی.

این قرض می تواند تلفظی، ریختی، لغوی، مفهومی باشد. پس پروسه پراش زبانی در بین اقوام همجوار ربطی به نیازبان، منبع مشترک قدیمی، بین آنها ندارد. برای نمونه قرض کلمات تازی سامی و ترکی آلتایی در فارسی نو هندوایرانی ربطی به نیازبان بین این ۳ زبان ندارد؛ بلکه تابع پراش همجواری یا هجومی است. گاهی لغت قرض شده در زبان مقصد بومی شده؛ تابع صرف و نحو جدید می شود. برای نمونه واژه یونانی *logos* لغت در عربی به لغات، لغة، لغتنا، لغوی، غیره دگرگون شده.

زبان‌شناسی بررسی علمی زبان طبیعی در ۲ محور ساختار/ دستور grammar و معنی semantics می‌باشد.

دستور در برگیرنده ساختارشناسی morphology یعنی شکل و ترکیب کلمات، صرف و نحو syntax یعنی قواعد ساختن عبارت و جمله، صداشناسی phonology یعنی نظام تلفظی و واحد صدایی مجرد است. قاموس/ فرس lexical در مرحله پیشرفته جامعه خط typography را شامل می‌شود. تاریخ تحول، اشتقاق یابی، ریشه‌شناسی کلمات را etymology نامند.

یک زبان را می‌توان مانند یک پدیده طبیعی بررسی علمی کرد. وضع کنونی آنرا ضبط کرده؛ با کاربرد روشهای علمی مانند سیر قهقرایی regression، منطق، تحلیل، تجزیه، عوامل درونی/ بیرونی، ورودی - خروجی آن با محیط، قیاس با دیگر زبانها، تاریخچه تکوین آن به استنتاجات، استقرائات، نتیجه‌گیری رسید. نیز از دیگر علوم مانند زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، صداشناسی فیزیک، تاریخ مدد گرفت. زبان را می‌توان همچون رودی استعاره کرد که متکلمان سیال، ابتدا، انتها، عناصر درونی، بستر محلی، سیر زمانی، شرایط جوی و محیطی دارد. در بررسی زبان باید متکلمان، محل، زمان، خود زبان مشخص شوند.

زبان‌شناسی نتایج زیر را بیار می‌آورد: توصیف زبان در ابعاد ساختارشناسی، لغوی، تلفظی، معنایی برای آموزش؛ دستور زبان، سیر تکوینی زبان؛ بررسی تطبیقی یک زبان با مراحل گذشته و گویشهای همسایگان؛ دسته‌بندی زبان‌ها، مقایسه گویش‌ها، لهجه‌ها، ته لهجه‌ها؛ آموزش زبان عمدتاً برای بزرگسالان، بهینه‌سازی زبان دبستانی؛ فرهنگ‌نگاری از دیدگاه روان‌شناسی زبان، آزمونهای زبانی برای تولید یا دریافت اندام گفتاری تحت کنترل مثلث بروکا یا شنیداری در غشاء سمعی کورتکس؛ پژوهشهای آواشناسی بسامد/ فرکانس الفبایی؛ فعالیت شبکه عصبی مغز با fMRI رایانه‌های تصویری.

<http://bejanbaran.blogfa.com>

دکتر اسماعیل رنجبران (بیژن باران)

ضرورت بازخوانی فرهنگ و هویت

فریبرز صادقیان

کارشناس ارشد تاریخ

فرهنگ آینه ای است که هویت و هستی تاریخی انسان را منعکس می سازد. فرهنگ را انسان ها می سازند و در عین حال، خود نیز تحت تاثیر بر ساخته های خود - در هر عصر و نسلی - به نوعی در درون این فضای فرهنگی ساخته می شوند و هویت می یابند. فرهنگ تحولی آرام و کندپو؛ پدیده ای پایدار، پیچیده و فرایافتی است. این پدیده "انسان ساخت" و "تاریخ زاد" می باشد. برای فهم سرشت، سرنوشت و همچنین درك ساز کارهای مادی و معنوی تحول و تکامل جمعی مان راهی جز بازخوانی، بازاندیشی، فهم مداوم و مستمر مسیر سرگذشت جمعی مان نداریم.

بر این اساس، با مطالعه و شناخت فرهنگ عامه و مردمشناسی فرهنگی، که یکی از زیباترین و جذاب ترین شاخه های انسانشناسی فرهنگی و از جمله ارکان هویت شناسی است، مواجهه آگاهانه و مسئولانه با کلیت هویت تاریخی مان مهیا و مقدور می شود. ریشه های هویت امروز ما - هر چه باشد - در دیروز و گذشته تاریخی نهفته است. پس در پاسخ به پرسش بزرگ من کیستم؟ من فردی و جمعی، گریزی از بازشناسی و باز نمایی سرگذشت دیروزمان نیست، اگر بر آنیم معنا، کردار، ماهیت، بینش و پندارهای امروزمان را به دقت و درستی درك نماییم، راهی جز فهم پیشینه و پشتوانه های تاریخی، تحول و تکامل یا افول فرهنگی یمان نداریم.

این آرمان، داعیه ای دشوار و دیرپا و در عین حال ناگزیری است: دشوار و دیرپا از آن رو که عرصه عظیمی از تمامیت زندگی (آداب، اندیشه ها، عادات و رسوم و کردارهای) چندین و چند قرن و نسل را دستمایه و موضوع شناخت قرار می دهد که کوهی از مولفه های تو در تو را در خود به هیت گنجه ای از رازها و آرزوها، دردها و شادی های نهفته دارد. منبعی عظیم که هر کدام نمایانگر معارف یا معایب، حکمت و حقیقت یا ناآگاهی و غفلت های جمعی مان است، و ناگزیر به بازیابی و بازشناسی آنیم. چرا که بدون بازفهمی در تعارض هویتی و سرگشتگی تاریخی سرگردان می مانیم. در این صورت، در تحلیل رابطه و نسب مان با اکنون و درك، بایستگی های امروزمان ناکام و ناتوان یا ناقص و نارسا می مانیم. کتاب "درآمدی برگوش و فرهنگ طالقان" تلاشی است برای پاسخگویی به بخشی از این ضرورت و نیاز جمعی. اثری تالیفی که به برخی پرسش های قابل طرح در ذیل پرسش بزرگ من (فردی و جمعی) کیستم؟ پاسخ می دهد. پرسش از کیستی و چیستی ما که اساس هویت شناسی است. در زمانه ای که سیطره تمدن تك ساحتی و تکنیکی مدرن، اصالت ها و ریشه های هستی و هویت های جمعی ما را (در سطح قومی، محله ای، طبقه ای، طایفه ای و ملی) تحت هجوم همه جانبه فرهنگ مادی و مصرف زده مدرن قرار داده است. و در چنبره ی روزمره گی و تنگنای تنش ها و اضطراب ها و بیگانگی ها محو می کند. قدرت سلطه فرهنگ جهانی با تکنیک های مدرن و فراگیراش، ملاك حقانیت و درستی آن نیست.

جهانی شدن (GLOBALIZATION) هرگونه هویت متعارض و متفاوت با نظام خود را به چالش کشیده است و با استفاده از ابزار پیشرفته، هویت قوی محلی حتی ملی را در يك فرایند کلان استحاله می کند. امحاء هویت، تعلقات خاطر قدیم را برداشته و تعلقات در خور توجه که بتواند انسان رها شده و تنهارا آرام سازد، ایجاد نموده است. و بدین گونه بحران فرهنگی آفریده است. هویت های قومی، محلی و ملی ارزشهای پویای زیادی دارند که می تواند به زندگی معنا بخشد.

انسانی که تعارض هویت داشته باشد و به آن وحدت هویت دست نیابد نمی تواند توسعه و تعالی در خور توجه ای یابد. شاید انسان استحاله یافته در فرهنگ فراگیر و مدرن جهانی امروز، خواستار تنفس و زندگی در محیط و هویتی ساده، سالم و آرام است.

زندگی ای که با مرور متن این کتاب واقعیت هستی و جلوه های حضور آن در همه ی جوانب دیروز زمان به وضوح درك می شود و روایتگر ادراك، اصالت، اعتدال و آرامش جمعی مان است. این همان حقیقت و نیازی است که تحقق آن روز به روز کمترین نیاز تر می شود.

نسل های متاخر، هر چه برخودارتر، مرفه تر با سوادتر - نه لزوماً داناتر - شدند! به همان نسبت در زندگی مضطرب تر، با دیگران بیگانه تر و در درون خود ناآرام تر شدند.

اما براستی چرا؟ شاید خواندن این کتاب، از سر تامل و درون فهمی بتواند به بخشهایی از این سوالهای اساسی پاسخ گوید. شاید لحظاتی ما را از جنجال بی انقطاع رسانه، تکنیک و تکرار، جدا سازد. تا ببینیم و دریابیم ریشه هایمان کجاست؟

کدامیک و انهادنی و کدامیک ستودنی و پاسداشتنی است. تا دیگر بار بیندیشیم و به یادآوریم در دیروز نه چندان دور، ادب و آداب، کار و پیکار، ستیز و سازش، همکاری و همیاری و مبنای شادی ها و دردهای مشترک مان چه بود و امروز چیست؟

و فاصله اینها از همدیگر چقدر است. جان و روح مان متعلق به کدامیک از این دو جهان است. از خود ببرسیم چگونه ایم؟ آیا از سر جبر یا از روی غفلت و ناآگاهی یا ضرورت و حقانیت اینگونه ایم؟ پاسخ را هر خواننده ی ژرف اندیش، خود باید بیابد.

بویژه آنانکه، زندگی گذشته را تجربه کرده اند و لاجرم از اصل و اصالت نیفتاده اند. هر چند در ناهمواری های زمین و زمانه اکنون از اسب آرامش افتاده باشند و بناچار مهاجرت نموده در آنسوی سیاره، نه در دامنه های ساده و زیبای البرز، و نه در بلندای رازناک طبیعت طالقان بر سر می برند.

این کتاب حکایت هویت ماست و هویت اصیل و حکایت تعلق خاطر و تعهد و دلبستگی به همه آن چیزهایی است که "من" و "ما بودن" را در اشتراك با هم و در تمایز با دیگری و دیگران معین می سازد. و به هستی، حضور و حرکت ما جهت و معنا می بخشد.

تنها با درك ارزشهای نهفته در هستی دیروز و فهم موقعیت متعارض و پرتنش مان در دنیای امروز می توانیم فردا را اصیل و آگاهانه در خورشان و نام بزرگ "انسان" رقم زنیم که "انسان را جز آنچه بدان می کوشد نیست"

ز مرز همگویی .

مرز همگویی نشان دهنده ی محدودیت ناحیه است که در آن یک مشخصه زبانی خاص به کار می رود.

با نظری به برخی از گونه های محلی و یک بررسی در مورد آنها می توان اطلس های زبانی را ترسیم نمود. یکی از اهداف چنین تحقیقاتی، پی بردن به بعضی از تفاوت های مهم گفتاری افراد ساکن در نواحی و ترسیم مرزهای گویش بین نواحی است. به نظر می رسد کاربرد گویش طالقانی ویژه مناطق کوهستانی البرز مرکزی است. در واقع اگر دره طالقان را از گراب در بالا طالقان تا پرگه در پایین طالقان در نظر بگیریم (جهت غربی به شرقی)، مناطق اب شیب مخالف این دره در طرفین به گویش طالقانی تکلم می کند؛ این نواحی عبارتند از:

۱. دهستانهای برغان و چندان واقع در شهرستان ساوجبلاغ از استان تهران
۲. دهستانها کوهپایه - زیاران (فشگل دره) واقع در شهرستان آبیگ از استان قزوین
۳. دهستانهای معلم کلایه، بالا الموت و پایین الموت واقع در استان قزوین
۴. بخشهای بیلقان، آسارا، و دهستانهای آدران و سیرا واقع در شهرستان کرج؛ استان تهران.
۵. برخی از روستاهای رودبار قصران واقع در استان تهران

در مرزهای همگویی بین نواحی، به یک نکته باید توجه کرد، اگرچه این موضوع (رسم مرزهای همگویی) در ایجاد دیدی وسیعتر نسبت به گویشهای محلی مفید واقع می شود ولی در عین حال مشکلی را نیز در بر دارد و آن ادغام گونه های دیگر در نواحی مرزهای گویش است و بطور قطع بین دو منطقه گویشی نمی توان خط دقیق و قطع کننده وجود داشته باشند.

ویژگی بارز همگویی دامنه های کوهستانی البرز مرکزی که با گویش طالقانی تکلم می کنند اینست که به علت صعوبت جغرافیایی و مشکلات تردد در طول تاریخ گویش این ناحیه نسبت به مناطق هموار دشت به مراتب اصیل تر و بکرتر مانده است.

امید است در آینده زبانشناسان با تحقیقات میدانی و تلاش محققانه اطلس گویش طالقانی را ترسیم کنند.

مقدمه

زبان، گویش و لهجه های گوناگون نقاط مختلف دنیا متنوع و هر کدام لطافت و زیبایی خاصی دارد و هر زبانی - چه زبان رسمی و مکتوب و یا گویش محاوره ای محلی - دارای واژه ها، گزیده گویی ها و ضرب المثلهای مخصوص خود می باشد که از آداب و رسوم آن منطقه و محیط جغرافیاییش سرچشمه گرفته و فقط با گویش همان محل می توان آنان را به زبان آورد و معنی نهفته در آن را درک نمود.

گویش طالقانی که علاوه در بخش طالقان در برخی مناطق همجوار نیز محاوره می گردد - برای جغرافیای گویش طالقانی، رک. به پیشگفتار، تحت عنوان "مرز همگویی" -، رده ای از زبان فارسی است، با واژه ها و نکات دستوری ویژه. در طی قرن ها علاوه بر لغات عربی، مقدار زیادی لغات مازندرانی، گاهی نیز ترکی با این گویش مخلوط گشته و در صد سال اخیر نیز به علت تماس زیاد با تهران، تحت تأثیر تلفظ فارسی محاوره ای تهرانی قرار گرفته است.

تفاوت این گویش با زبان فارسی تنها در نحوه تلفظ نیست، بلکه آن به خاطر دگر بودن بسیاری از اسامی اشیاء و موجودات، لغات، افعال، واژه ها، اصطلاحات و نکات دستوری دارای ویژگی منحصر است و از این رو می توان آن را یک گویش مستقل دانست.

یک دنیا و یک زبان، جهت تفاهم بهتر بین ملت ها و یکنواخت بودن متون علمی و فنی بدون شک مفید است و باعث تسهیل در کارها و تبدلات؛ ولی آن زبان یگانه هرگز جایگزین رسانایی و لطافت زبان ها و گویش های متفاوت محلی نخواهد شد. متأسفانه در دهیای صنعتی امروز و با کوتاه شدن فاصله ها از نظر زمان و سرعت پیشرفت ارتباطات با راه های دور - زمان دیگر به عنوان مانع محسوب نمی گردد - و یکنواخت شدن زبان مکالمات بین المللی، تعداد گویش های محلی رو به کاهش می رود و به گفته زبان شناسان هر دو هفته یک گویش محلی به دست فراموشی سپرده و از خاطره ها محو می گردد.

نگاهی به گذشته نه چندان دور طالقان، تا آن جا که قابل بررسی است، نشان می دهد که مردم این سرزمین روستایی گرایی خاصی به علم و ادب داشته، زراعت و دامداری را مانعی در راه آموزش و دانش نمی دانستند. در صد افراد با سواد طالقان - آشنا به خواندن و نوشتن زبان فارسی - در گذشته بسیار بالا بود و این رقم در زمان حال نزدیک به مرز صد در صد رسیده است. این پدیده - آشنایی به خط و زبان فارسی - اثر انکار ناپذیری در گویش محاوره ای طالقان به جا گذاشته تا به حدی که به سختی می توان در مورد بسیاری از لغات، اصطلاحات و یا احیاناً دستور این گویش اظهار نظر نمود، چرا که طالقانی کاملاً آشنا به گویش محلی کمیاب است و افراد متولد در سده چهارده هجری شمسی این سرزمین، از گویشی مختلط - کلاچ فارسی: نیمی از جمله به زبان فارسی و نیمی به گویش طالقانی - استفاده کرده و می کنند.

از طرفی تعداد آن گروه طالقانی ها که تمام عمر خود را در این دیار گذرانده باشند، بسیار کم و مدام رو به کاهش می رود - آنانی که برای همیشه این محیط را ترک کرده اند، اکثریت افراد طالقانی

الاصـل را تشکـیل می دهند؛ چه کسانی که در چهار چوب خاک ایران زندگی می کنند و چه مهاجرین به نقاط دور دنیا که طالقان را فقط به عنوان بیلاق می شناسند - و از طرف دیگر آوای گویش محلی هنوز در هنگام مکالمه آن گروه از طالقانی که حتی چندین دهه قبل و در سن قبل از بلوغ این دیار - فرا گرفتن زبان و ادای آوا در سن بچگی و قبل از بلوغ که هنوز تارهای صوتی قابل تعلیم هستند بهتر امکان پذیر است - را ترک نموده اند، ناپدید نگردیده، نا خود آگاه یا از واژه های این گویش استفاده می کنند و یا این که تلفظ بسیاری از لغات را با آوای نهفته گویش طالقانی بیان می دارند. این گویش که دارای ریشه عمیق چند هزار ساله می باشد و در طی قرن ها سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل و به ارث رسیده، نباید ناپدید گردد، چرا که آن بخشی از تاریخ و گذشته این منطقه، بلکه تمام ایران می باشد.

در تمام دنیا جهت جمع آوری و به صورت مکتوب کردن گویش ها اقدامات زیاد می گردد و افراد اهل علم و ذوق و خواستار آن حفاظت میراث فرهنگی ایران نیز در سراسر کشور، در این راه فعالند که نام تعدادی از آن ها در کتابنامه این مجموعه آورده شده.

گاهی به گردن خواهیم داشت، هر گاه در راه حفاظت، بررسی و تکمیل گویش محلی طالقان، همچنین در جمع آوری آداب و رسوم آن به صورت مکتوب گامی برنداریم؛ دور از انتظارات مادی، فقط با در نظر داشتن جنبه معنوی و حراست تاریخی.

بدیهی است که نوشتن گویشی که شفاهی بوده و تا کنون به صورت مکتوب وجود ندارد - جمع آوری واژه ها، ضرب المثل ها و حتی گاهی ادای صحیح لغات آن - کار ساده ای نیست و احتیاج به تصحیح و تکمیل مکرر دارد؛ در این راه باید صمیمانه کوشا بود، حفاظت و پرورش این گویش را در عمل ثابت نمود، برای گسترش و تکمیل آن گام های بیشتری برداشت، تا از خاطر محو نگردد و زنده بماند.

" همه چیز را همگان دانند "

دکتر کامران فلاهی

kfallahi@web.de